

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

بحثی که مطرح شد بحث عقد فضولی بود ، عرض شد به اینکه مرحوم شیخ قدس الله نفسه و طبیعتا بعد از شیخ روی مباحث عقد فضولی خیلی کار کردند به قول مرحوم نائینی من اهم مباحث مکاسب شده است . عرض کردیم این مبحث در قوانین جدید غربی هم مطرح است دیگر قول دادیم یک کمی بعد از اینکه تمام شد در این کتاب الوسیط من بیشتر قوانین جدید را از الوسیط می خوانم الوسیط برای ۷۰ سال قبل است تقریبا ۷۴ سال قبل است جدید نیست اما من بیشتر می خوانم به خاطر اینکه اولاً این کتاب را دارم چند تا دیگر هم هست خیلی نگاه نکردم اما این را دارم بعد هم چون خودش یک قانون دان بزرگی است اصلا بعدها عده ای از قوانین عده ای از کشورهای عربی را ایشان تاسیس کرده الوسیط خودش شرح قانون مدنی مصر است قانون قدیم مصر و قانون جدید این را شرح داده و مقارنه کرده با قوانین اروپایی آن زمان یعنی فرانسه و آلمان و ... و کشورهای عربی آن زمان که داشتند مثل لبنان و سوریه و عراق و اینها و مردی است واقعا فوق العاده خیلی زحمت کشیده انصافا حدود ده جلد نسبتا بعضی هایش قطور است .

ایشان در جلد اولش و اخرش بحثی دارد به عنوان عقد الفضالة آن جا فضالة دارد فضالة یعنی فضولی عقد فضولی را به عنوان عقد الفضالة دارد و تا آنجایی که من می دانم به نظرم یک قسمت کمش به فارسی ترجمه شده یک دفعه آقای می فرمودند یک مقدارش هم در دانشگاه تدریس می شود نمی دانم الان اطلاع از وضع این کتاب در زبان فارسی ندارم .

علی ای حال ان شاء الله تعالی ما یک مقداری ، ایشان البته نظرية العقدش جداگانه چاپ شده است ، نظرية العقدش مستقلا یک جلد چاپ شده اما الوسیطش خوبی اش این است که ۸ تا عقد یا ۹ تا عقد است رهن و اجاره و بیع و اینها را یکی یک طبق قوانین غربی و در عده ی زیادی شان هم با متون دینی البته مصادر الالتزام فی الفقه الاسلامی آن جداگانه چاپ شده دو جلد یعنی چهار جلد در دو مجلد چاپ شده است آن چیزهایی شرعی را بیشتر دارد و کرارا عرض کردم انصافا مطالبی را که ایشان نقل می کند ارجاعاتی را که ایشان می دهد بعضی از مباحث را نمی دانم حالا من چون وارد نیستم به لغت مثل کتاب فرانسوی نوشته این مبحث جلد ۳۲ صفحه ی فلان نمی دانم ۳۲ جلد درباره ی بیع نوشتند واقعا سرمان نمی شود ۳۲ جلد در مباحث عقود و ایقاعات نوشته باشند ، مثلا خیلی عجیب است یعنی ارجاعاتی که می دهد خیلی مفصل است .

همین تدلیس را ما به مناسبتی بحث تدلیس را عرض کردیم در مکاسب محرمه از این کتاب خواندیم انواع تدلیس آن وقت هم انواع حالات استثنائی که در فقه کلا مورد نظر است عرض کردیم در فقه یک قسمتی از ابحاث فقه چه در فقه معاملات چه در فقه عبادات یک قسمتی که حالات ثانویه مثل نسیان و جهل و اضطرار و اکراه و بعد فرق بین اکراه و اضطرار و بعد اقسام اینها و چرا مثلاً در اضطرار بیع درست است و در اکراه بیع باطل است یا باطل نیست الی آخره انواع تدلیس و غلط و اینها را بعضی هایش را که ایشان نقل می کند خیلی واقعا زحمت های زیادی کشیده شده البته علمای ما هم خیلی کار کردند انصافا .

اهل سنت مخصوصا حنفی هایشان بیشتر البته بعد دیگر شافعی ها هم زیاد کار کردند ، حنبلی ها طبیعتا این مقدار چون بیشتر اخباری مسلک هستند کار نکردند حنفی ها چون اهل قیاس و استحسان و البته ابوحنیفه قائل به استحسان نیست یکی از عجایب کار این است شافعی قائل به حجیت استحسان هست ، ابوحنیفه قائل نیست با اینکه ابوحنیفه قیاسی است و خیلی هم شدید قیاسی است این هم یکی از عجایب است .

این کلمه ی استحسان چون ما متأسفانه با دنیای اسلام دائما رابطه برقرار می کنیم گاهی اصطلاحات آنها را بلد نیستیم استحسان نزد ما چیزی شبیه به قیاس است استحسان نزد آنها این نیست این اشتباه نشود ، اگر استحسان اهل سنت می گویند من خیلی مقیدم که اصطلاحاتی را که آنها می گویند با ما می گوئیم فرقی را بیان نکنیم چون این من دیدم نمی خواهم حالا اسم ببرم گاهی در کتاب های بزرگان که اسم نمی برم ملتفت اصلاح آنها نشدند خلاف اصطلاح به کار می برند آنها هم رد می کنند می گویند آقا شما اصطلاح را بلد نیستید البته نه اینکه بلد نیست مشکل اصطلاح اصطلاح است اولی مشابهة فی الاصطلاح لکن این خودش یک نکته ای است .

استحسان البته اگر در فقه بیاید تاثیر گذار است انصافا استحسان در اصطلاح فقهی اصولی خودش این است اگر یک مطلبی در جامعه ی اسلامی جا بیافتد اما وقتی می خواهیم مراجعه ی به دلیل بکنیم دلیل روشنی نداشته باشد . که مثال

یکی از حضار : ما رأه المسلمون حسن

آیت الله مددی : ها ما رأه المسلمون ...

که مثال بارزش هم مکاسب هم دارد نرسیدیم هنوز به این مثال ، مثال بارزش هم بحث حمام بود در آن زمان سنی ها هم دارند سنی ها هم بحث حمام را مطرح کردند ما هم داریم چون اشکال در باب حمام این بود شما که می روید در حمام خودتان را می شوئید درمی آید این آیا اجاره است مقدار زمان شما در حمام معین نیست مقدار آبی که می ریزید معین نیست اگر اجاره است در اجاره باید معین باشد این چیست مثلاً جعاله است اجاره است دقت می کنید ؟ حالا حمام رفتن که متعارف بود همه حمام می رفتند .

.....
ببینید در جامعه‌ی اسلامی راه افتاده جا افتاده انجام می‌دهند اما وقتی آمدند توجیه فقهی بکنند گیر کردند اینها آمدند گفتند همین که در جامعه‌ی اسلامی جا افتاد پس درست است ، این خیلی . مثلاً بانکداری الان در جامعه‌ی ما جا افتاده وقتی آمدند نگاهش بکنند دیدند با قوانین دینی نمی‌سازد یک چیز عجیب و غریبی سعی کردند به اسم بانکداری اسلامی یک مخلوطی از جعاله و اجاره و حرف‌های عجیب و غریبی درست بکنند، مضاربه را به هم وصل بکنند نظام بانکداری یک نظام مستقلی است برای خودش دقت می‌کنید ؟

این اگر بشود برای خیلی از مسائلی که امروز متعارف می‌شود مثل ارز دیجیتال و فلان اگر جا بیافتد این خودش یکی از مصادر مهم است و استحسان جزو مصادر تشریع است ها مثل حجیت خبر نیست اشتباه نشود یعنی اگر یک مطلبی در جامعه‌ی اسلامی جا افتاد و با آن معامله انجام شد این خودش شرعیت پیدا می‌کند دقت کردید ؟ ملتفت شدید استحسان .

استحسان را ابو حنیفه قبول نکرد و آن وقت خیلی عجیب هم هست من در کتب اهل سنت این جور دیدم مگر اشتباه نوشته باشند شافعی قبول دارد ابو حنیفه ، ابو حنیفه می‌گوید محض قیاس است این استحسان با قیاس خیلی نزدیک است استحسان را قبول نکرده عرض کردیم یک روایتی است روایت واحده است ما رأه المسلمون حسنا فهو عند الله حسن این را بعضی به رسول الله نسبت دادند لکن ثابت است نه اینکه محققین اعلامشان نزد عادی‌هایشان هم ثابت است که این کلام رسول الله نیست نوشتند این حدیث نیست چنین حدیثی را ما نداریم و این کلام ابن مسعود است .

ابن مسعود در زمان عمر و عثمان بوده در کوفه بوده یعنی با مسائل جدید برخورد داشته دقت کردید چه نکته‌ای شد یعنی از همان عهد به اصطلاح علمای اهل سنت عهد خلفای راشدین وقتی با یک مساله‌ی جدیدی روبرو می‌شدند سعی می‌کردند موضع بگیرند به شما گفتم ؟

و عبدالله بن مسعود این مطلب را مطرح کرد که اگر در جامعه‌ی اسلامی جا افتاد این خودش عند الله حسن ، این عند الله می‌شود تشریع ، ما رأه المسلمون حسنا ولذا این را عده‌ای از اهل سنت ، اشکالشان هم خیلی واضح است من تعجب می‌کنم لذا عده‌ای هم قبول نکردند عبدالله بن مسعود اصولاً شخصیتی نیست که از عند الله خبر بدهد تو از کجا می‌دانی عند الله ، اصولاً نمی‌دانم مطلعید یا نه معروف بین اهل سنت آنچه که صحابه گفته می‌شود حجت است ولو درجات فضلشان مختلف است .

عرض کردم آمدی اگر نگاه بکنید در الاحکام یک فصلی دارد که جمهور علماء اجماع علماء بر این است که به آراء کل واحد من الصحابة می‌شود اخذ کرد می‌گوید اگر این اجماع نبود حق این است که به اعلم من الصحابة مراجعه بکنند ، ملتفت شدید ؟ چون

صحابه در درجات علم متفاوت بودند ، ما بخواهیم به همه‌ی صحابه مراجعه بکنیم واقعه با ، یعنی ببینید ارتکازش این است این هم اعلم که اینجا می‌گوید مرادش این عالم درست نه اینکه قیاس به دیگری بگوید .

خوب ابن عباس قابل قیاس با ابن مسعود نیست بعضی از اهل سنت دیدم این تعبیر را دارند که عبدالله بن مسعود یفسر فی الاسلام یعنی عبدالله بن مسعود می‌گوید من ۷۰ تا سوره را از پیغمبر شنیدم این به درد قرائت می‌خورد یک مقدار هم حدیث دارد نه مرد ملایی است نه مرد درس خوانده‌ای است نه عالم است حالا ابن عباس واقعا مرد ملایی بوده ابن عباس دارد که از صبح که می‌نشست یک ساعت شعراء می‌آمدند بحث شعر می‌کردند یک ساعت فقهاء می‌آمدند بحث فقه می‌کردند یک ساعت علماء فرض کنید محدثین می‌آمدند حدیث می‌گفتند یعنی ساعت به ساعت موارد مختلف علم را بیان می‌کرد خبر الامة هم به او می‌گفتند به این جهت .

ابن مسعود می‌دانید در مکه بود پیغمبر رفتند و این چوپان بود چوپان عادی بود شاید یک بزی بود شیر نداشت و شیری دوشیدند این اسلامش این جووری بود بعد هم که مدینه آمد چون مادرش به اصطلاح زیاد خانه‌ی پیغمبر می‌رفت این هم خانه‌ی پیغمبر رفت و آمد داشت یک عده از افراد بودند که زیاد داخل خانه‌ی پیغمبر می‌رفتند لذا به بعضی از آنها می‌گفتند من اهل البیت این اهل البیت اینجا غیر از اهل البیت سلمان است ها اشتباه نشود چون خیال می‌کنند این هم با آن یکی است یعنی اینها زیاد داخل خانه یکی هم جابر چون مادرش زیاد داخل خانه رفت و آمد داشت با زن‌های پیغمبر این ها را تقریبا مثل یک روایت دارد الهرة من اهل البیت گربه جزو اهل بیت است این اهل بیت در اینجا نه اینکه حالا یک فضیلتی برای گربه باشد ، گربه چون در خانه زیاد است دیگر این مثل اهل خانه اهل بیت است یعنی با گربه معامله‌ی اهل خانه بکنید این اهل بیت بودنش ، خوب و لذا این تعبیر مراد روشن شد ؟

وقتی ابن مسعود در این درجه‌ی از علم است تو کجا خبر داری که عند الله حسنٌ تازه مطلبی را هم که ایشان گفت مطلب سیاسی است این روایت به این مقدار در کتب حدیث چاپ شده به نظرم در مستدرک حاکم باشد نگاه کنید مستدرک حاکم آورده است .

یکی از حضار : عیون اخبار الرضا هم همین مطلب را می‌گوید جواب می‌دهد .

آیت الله مددی : در کتاب مستدرک حاکم دارد که و لذا اینطوری است ما رأه المسلمون یا مستدرک من نقل می‌کنم اساسا از کتاب به حساب نصب الرایة زیلعی به نظرم از حاکم نقل می‌کند ، ما رأه المسلمون حسنا فهو عند الله حسنٌ و لذا القی الله فی قلوب الصحابه ان یختاروا ابابکر یعنی از این مطلب چون عده‌ی خیلی از اهل سنت معتقدند این ابن ابی الحدید هم دارد عده‌ی خیلی خیلی معتقدند که پیغمبر تصریح کرد که ابوبکر بعد من خیلی کم اما عده‌ی بیشتر معتقدند تصریح نکرد لکن اوصافی برای خلیفه معین کرد که بر ابی بکر منطبق است دقت کردید ؟ لکن مشهورشان قائلند که مسلمان‌ها اختیار کردند این اقوال اهل سنت درباره‌ی ابی بکر .

از این عبارت ابن عباس هم به کامل واضح می شود که اختیار مسلمان ها بوده ربطی به رسول الله ندارد ، یعنی انتخاب ابو بکر هیچ روشن شد ؟ و لذا القی الله این را خوب دقت کنید هیچ ربطی به رسول الله ندارد نه اوصافش نه خودش نه شخصش نه وصفش و لذا القی الله فی قلوب الصحابة ان یختاروا ابابکر دقت کنید ، تو از کجا خبر داری که عند الله حسن اصلا چه مقامی داری که می گویی عند الله ؟ ملتفت شدید چه می خواهم عرض بکنم ؟

علی ای حال چون این کلمه ی استحسان نزد ما همیشه با قیاس مرادف قیاس است می خواستم عرض بکنم استحسانی که در اصول اهل سنت قائلند غیر از قیاس است استحسان این است ، و انصافا ها انصاف قصه اگر استحسان را بتوانیم اثبات بکنیم خیلی از مشکلات دنیای معاصر هم حل می شود ، چون خیلی از چیزها در دنیای معاصر راه می افتد و کم کم به دنیای اسلام می رسد اول غربی ها راه می اندازد علمش می کنند بعد هم کم کم به دنیای اسلام می رسد آقایان هم که می خواهند برگردند وجه شرعی برایش پیدا کنند وجه شرعی درستی پیدا نمی کنند ، اگر استحسان راه بیافتد

لکن خیلی جالب توجه است که این مساله در کوفه از همان قرن اول راه افتاد این خیلی جای توجه دارد که یک نکته ای به شما عرض کردم که از همان اول سعی کردند هر مساله ای را که با آن روبرو می شوند جوابش را پیدا کنند البته این کار در زمان ابن مسعود که زمان به قول خودشان خلفای راشدین است لکن رشد این مطلب بعد از خلفای راشدین است این نکته را در تاریخ فقه در نظر بگیریم خلفای راشدین هم فقیه حسابشان می کردند رایشان حجت بود هم سیاست مدار بودند ، هم حاکم بودند .

یعنی عمده ی امتیاز خلفا، خلفای راشدین در اصطلاح اهل سنت شامل امام حسن هم می شود پنج تا نه اینکه معروف است در بین ما چهار تا این اشتباه است خلفای راشدین در اصطلاح آنها پنج تا است با امام حسن به اضافه ی امام حسن شش ماه ایشان خلیفه بودند این پنج تا اضافه ی بر این که احکام الهی را بیان می کردند اداره ی مملکت هم دست اینها بود چون اداره دست اینها بود فقیه نمی توانست در مقابل خلیفه خیلی حرف بزند .

از زمان معاویه چون دیگر گفتند روایت هم نقل کردند که از زمان معاویه دیگر ملوکیت است پادشاهی است دیگر خلافت نیست حکم الله نیست چون جدا شد فقه از سیاست فقهاء مجال پیدا کردند ، فقهای مدینه فقهای کوفه فقهای مکه فقهای حجاز فقهای شام دائما فقها ، یعنی رشد فقه در حقیقت از زمان بنی امیه شروع شد چون اینها خلافت را برداشتند و تبدیل به پادشاهی کردند دیگر فقهاء راحت شدند برای خودشان مشغول شدند به تفریعات گفتن این خیلی در این نکته اگر این مثلا فرض کنید سال ۱۰۰ این می شود خیلی کار مشکل می شد این خیلی سریع میدان فقه باز شد خیلی سریع باز شد و این مساله خیلی تاثیر گذار است در تاریخ فقه و مخصوصا

یکی از جاهایی که خیلی سریع در این جهت تاثیر گذار بود کوفه بود کوفه هم خوب سه سال امیرالمؤمنین در آنجا بودند تربیت شده‌ی امیرالمؤمنین بودند این خیلی تاثیر گذار است ، بخوایم شرحش بدهم دیگر از بحث مکاسب خارج می‌شویم .

علی ای حال این بحث را دقت بکنید ما این بحث فضولی را مرحوم شیخ خیلی مفصل نوشتند آقایانی که بعد از مرحوم شیخ آمدند خیلی مفصل با ایشان مناقشه کردند چون دیگر این بحث‌ها خیلی طول کشید ما فعلا بنا گذاشتیم یک مقداری بحث را جمع و جور کنیم و به بحث‌های اساسی تر بیشتر برسیم ، چون اگر بخوایم با این ترتیب برویم تا آخر خیارات به نظر ۶۰ - ۵۰ سال طول بکشد ، همان بهتر این یک مقداری جمع و جورش کنیم فقط اشارات کنیم .

ببینید مرحوم شیخ رحمه الله ابتدائاً دلیل آوردند برای صحت بیع فضولی عقد فضولی . مرحوم نائینی می‌گویند عقد فضولی طبق قاعده صحیح است لذا مرحوم نائینی می‌گویند غیر از این روایتی که مرحوم شیخ آوردند روایت دیگری هم داریم در روایتی که مرحوم شیخ آوردند در بعضی‌هایش خیلی مناقشه‌ی طولانی هم کردند مرحوم آقای خوئی مناقشه کردند مرحوم ایروانی مناقشه دارند مرحوم سید ، دیگر اگر بخوایم یکی یکی اینها را بخوانیم و متعرض بشویم ببینید در باب روایات من عرض کردم ما باید مجموعه‌ی شواهد را نگاه بکنیم ، روایت را ما در باب شیعه مثل اهل سنت نیستیم ، اهل سنت در باب روایات روی معیار حجیت جلو می‌روند .

عرض کردم کرارا کرارا تکراراً در قرن اول و تا نیمه‌های قرن دوم حدیث را به زاویه‌ی فقاہت نگاه کردند یک فقیه مثلاً نقل می‌کرد یک حدیث را چون فقیه است قبول می‌کردند ، از سال‌های ۱۶۰ - ۱۵۰ کم کم مباحث رجالی شروع شد و مباحث اصولی ، اصول آمد کبری را بیان کرد حجیت خبر عدل ، رجال آمد صغری را بیان کرد که عدل هست که عدل نیست از سال‌های ۲۰۰ که زمان حضرت جواد است تقریباً مطلب دیگر به کجا رسید حجیت خبر واحد مطرح شد از این زمان تقریباً خبر را از زاویه‌ی حکایت نگاه کردند خیلی فرق می‌کند زاویه ، از زاویه‌ی حکایت که شد ، شد حدیث صحیح ، ضعیف ، حسن این تقسیمات حدیث ، از زاویه‌ی فقاہت این تاثیرات نبود می‌گفتند فقیه هست یا نه .

از بعد از سال ۲۰۰ گفتند مرسل هست یا نه ، بحث مرسل نبود بحث طبقات نبود این از این نقل می‌کند در طبقه‌ی او هست اینها از سال‌های ۲۰۰ به بعد شد گفته شده صحیح بخاری اولین صحیح ، البته مسند احمد را عده‌ای صحیح می‌دانند مسند احمد قبل از بخاری است ۲۴۱ وفات ایشان است بخاری ۲۵۶ وفاتش است .

علی ای حال تا این ۲۵۶ که وفات بخاری است که از همه مهمتر است و صحیح هم نوشتند این زمان امام عسکری است شیعه از همان اول تا این زمان از زاویه‌ی امامت نگاه کرد ، چون زوایا کاملاً مختلفند .

تا آمد به زاویه‌ی حجیت رفتند روی احادیثی که فقهای قبلی قبول کرده بودند عرض کردم لا ضرر در کتاب موطئ مالک آمده قال النبی لا ضرر و لا ضرار ، بخاری قبول نکرد ، مالک امام مذهب است . مالک حدیث لا ضرر را قبول می‌کند امام مذهب است ، مالک را بعضی‌ها صحیح می‌دانند موطئ را لکن مشهور نمی‌دانند چون موطئ روایت می‌آورد بعدش هم فقال اهل المدينة فقال فلان فتوا هم به آن اضافه کرده اصطلاحا حدیث مجرد نیست ، فتوا به آن اضافه شده است دقت کردید ؟ لذا صحیح نمی‌دانند روی این جهت .

بعد هم نکته‌ی فنی به نظر ما عرض کردم این مطلبی را که من راجع به تحلیل اهل سنت می‌گویم خود اهل سنت هم ندارند خیالتان راحت باشد این را ما چیزی می‌دانیم که خود اهل سنت هم ندارند لکن نکته را خوب دقت کنید تفاوتش حدود ۱ قرن شد کمتر از ۱ قرن ما در قرن چهارم اول قرن چهارم حدیث را قبول کردیم کافی آخر قرن چهارم قبول کردیم من لا یحضره الفقیه ، فقه ما در اوائل قرن چهارم مقنعه‌ی شیخ مفید ، نهایی شیخ طوسی ، مبسوط شیخ طوسی و حتی حدیث معتبر که مثلاً نسبتاً معتبر باشد مثل احادیث قمی‌ها مخلوط نباشد شیخ طوسی ، حجیت خبر این در قرن پنجم است معیار بندی که بعد شد در قرن هشتم است توسط علامه ببینید این سه قرن لذا مشکل پیدا شد در اهل سنت مشکل پیدا نشد از فقاہت رفت به حکایت مشکل نیست ۵۰ سال فرق است ، اگر گفتند حدیث لا ضرر قبول نمی‌شود .

آن وقت اهل سنت از آن طرف خوب این قدر شعور دارند که ببینند این حدیث آمده در قرن دوم این قدر فقهاء در قرن دوم به آن تمسک کردند به حدیث لا ضرر بخاری آمد و گفت این حدیث قابل قبول نیست مسلمان‌ها به حدیث المسلمون عند شروطهم تمسک کردند بخاری می‌گوید صحیح نیست ، حدیث رفع را که حتی ابن حزم می‌گوید به نظر ما صحیح است بخاری می‌گوید صحیح نیست ، وقتی یعنی خیال نکنید یک حدیث است یک احادیثی که مثلاً به قول بعضی‌هایشان ربع فقه ، خمس فقه لا ضرر است می‌گوید سیوطی ربع فقه یا خمس فقه بر او بنا می‌شود ، دقت می‌کنید من می‌خواهم چه عرض کنم ؟

اما در میان شیعه ۳ قرن فاصله شد این مشکل درست کرد بعد از علامه هم دیگر اصطلاحاً ما به آن می‌گویم طوفان علمی درست شد طوفان شد احادیثی بود که در کافی بود طبق معیار علامه ضعیف بود احادیثی بود که فتوایی بود که بود حدیثش ضعیف بود احادیثی بود ضعیف بود فتوا بر طبقش نبود لذا بعد از علامه گفتند آقا جابر و کاسر این بحث مطرح کردند .

اخباری‌ها هم الحمدلله خلقشان تنگ شد گفتند هر چه در کتب معتبره است حجت است از باب الی المحراب ، ما این حدیث شناسی که الان داریم که یک نکته‌های فنی دارد و آمدند نکته‌های فنی مختلف تقریباً از زمان وحید شروع شد اما خیلی متکامل نشد . که

اینها را من سابقا مفصلا شرح دادم و تا زمان ما هنوز که هنوز است این حدیث خیلی تکامل یافته نیست مشکلات فنی عدیده‌ای دارد از نظر علمی .

آن وقت ما عرض کردیم مهمترین قسمتی که در حدیث است این است که مثل مرحوم نائینی و اینها یعنی یک مبنایی قبل از علامه آمد مبنای مرحوم محقق حلی تقریبا این مبنا الان بین اصحاب ما شیخ انصاری ، مرحوم آقا ضیاء ، مرحوم نائینی ، مرحوم فرض کنید آقای حکیم ، مرحوم آقای خمینی ، مرحوم آقای شاهرودی همین علمای معاصر ما غالبا قبول کردند همین است که مرحوم محقق در شرایع دارند ما عمل به الاصحاب ، او دلت القرائن علی صحته .

یعنی بعبارة اخری حدیث را به زاویه‌ی حدیثی نگاه نکردند به زاویه‌ی تلقی طائفه نگاه کردند این همان معیار امامت که عرض کردم اگر علامه از راه حدیث ، علامه گفت کل حدیث یرویه عدل امامی عن مثله الی آخر الاسناد ، ببینید عدل امامی همیشه من عرض کردم چیزی در حدود ۲۰ درصد از احادیثی که سابق داشتیم سالم می ماند خیلی کم ، خصوصا احادیث موثق فرض کنید مثلا احادیث عمار ساباطی احادیث ابن فضال اینهایی که فطحی بودند واقفی بودند اینها را علامه قبول نمی کند یک استثناء ضعیفی دارد دقت می کنید ؟ خوب واقعا هم من عرض کردم اخباری ها خوب تند شدند به علامه خیلی اهانت بود ، آن تندى اخباری ها که قطعا باطل است اما این راهی هم که علامه رفته وافى نیست ما احترام می کنیم .

یکی از حضار : مبنای حضرتعالی در فهرستی چیست ؟

آیت الله مددی : این باید شواهد را نگاه کرد همان که ایشان گفته است ، اصولا در شیعه این طور است در اهل سنت خوب دقت کنید، اهل سنت بسته نیست مثلا شافعی ها به توثیقی گاه می کنند که موثق شافعی باشد نه ممکن است حنبلی باشد ، ممکن است مالکی باشد . آن کسی که گفته ثقه ممکن است مذهب دیگری دارد دقت می کنید . اما در شیعه گفتند توثیق باید از شیعه گرفته بشود اصطلاحا ما اسمش را مبحث بسته گذاشتیم .

سر اینکه این مذهب در اینجا تاثیر گذار بود این بود ما الان در کتب اهل سنت از این محمد بن مسلم داریم برمی گردد به صحابه از امام صادق نیست شیعه هم به اینها عمل نکرد ، محمد بن مسلم از امام صادق عمل کرد . هم شیعه باشد هم منتهی به معصوم باشد خوب دقت کنید اینها مطالب آسانی گفتیم من خیلی آسان دارم برای شما می گویم اما یک دنیا آثار دارد این .

علامه این راه را که درست کرد انصاف قصه اولاً خود ائمه علیهم السلام زحماتی که خود ائمه کشیدند ثانيا علمای شیعه خیلی زحمت کشیدند انصافا بینی و بین الله خیلی خون دل خوردند و خصوصا در همین قم قبل از ۱۱۰۰ سال قبل خیلی خون دل در تنقیح

احادیث و نقل احادیث من همیشه این قاعده را عرض کردم فرهنگ ، فرهنگ یعنی تلقی به قبول فرهنگ حدیثی شیعه در قم هست و خصوصا توسط ابن بابویه ، صدوق . فرهنگ فقهی شیعه در بغداد توسط شیخ طوسی . یعنی ما بعد شیخ طوسی که حدود ۱۰۰۰ سال است که الان هم نزدیک هزاره‌ی رفتن ایشان است به نجف ، ۴۵۰ ایشان به نجف رفت تقریبا ، پنج سال دیگر بناست که هزاره‌ی تاسیس نجف را بگیرند ، توسط شیخ طوسی .

و توسط شیخ طوسی فرهنگ حدیثی حجیت شیعه ، حدیث حجت ابتدا از شیخ طوسی است آن که به صورت چارچوب معین کرد علامه‌ی حلی است ، لکن انصافا این فرهنگ مشکل دارد . فرهنگ حدیثی هم که مرحوم ابن بابویه صدوق در قم تاسیس کرد آن هم مشکل دارد .

ما چون الان در قرن‌ی هستیم که می‌توانیم تمام میراث‌ها را ببینیم برای ما الان تقریبا با این مقدار وسائل که یک مقدارش هم کم است بیش از این احتیاج داریم می‌توانیم خیلی از جهات را فعلا تشخیص بدهیم که آیا صدوق راه درست را رفته کلینی راه درست رفته شیخ طوسی راه درست و بعد علامه فمّن بعد الی یومنا هذا . یعنی اینها یک چیزهایی است که تقریبا الان می‌شود تشخیص داد .

و عرض کردم همیشه مبانی علمی افراد را نگاه بکنید شیخ انصاری عده‌ای از روایات را آورده‌به این مقدار از روایات که بناءا بناءا این مذهب درست نمی‌شود باید یکی بیاید مناقشه بکند انصافا هم احادیث خیلی ظاهر نیست بعضی‌هایش هم خود ایشان نوشته بناءا بر این بناءا بر این با ترتیب نمی‌شود با این وضع ، بعضی‌هایش هم که ضعف سند دارد به جای خودش . انصافا حالا می‌خواهید بخوانید یا فردا برایتان بخوانم دیگر می‌خواستیم یک کمی سریع رد بشویم آقایان خودشان مراجعه کنند چون مناقشات شده خیلی وقت را می‌گیرد بدون اینکه ما حاصل درستی داشته باشد اگر راضی باشند آقایان دیگر آن ، دو سه تا روایت مانده که نخواندن دیگر روایت را متعرض نمی‌شویم .

مثلا این روایت اخیری که برای عبد معصوم بود این را ما اصلا خیلی طولانی صحبت کردیم در سندش این صحبت‌ها را دیگر می‌خواهیم حذفش کنیم از فردا یک صفحه تقریبا دو سه صفحه از این جایی که هستیم رد می‌شود احتج للبطلان بوجوه آنهایی که گفتند بیع فضولی باطل است وجوهی را ذکر کردند از آن جا فردا شروع کنیم .

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين